

تحلیل مسأله «حد نصاب نیت در ارزش اخلاقی» بر اساس مبانی اسلامی

حسن فرزی* | مجتبی مصباح**

چکیده

نیت، به عنوان انگیزه ای آگاهانه که بر سایر انگیزه‌ها در هنگام تحقق فعل اختیاری، ترجیح داده می‌شود، جایگاه بسیار مهمی در تعیین ارزش اخلاقی آن دارد. سوال اساسی این است که از نگاه اسلام، حدنصاب نیت در ارزش اخلاقی چیست؟ هدف این نوشتار، رسیدن به پاسخ این پرسش است. بدین منظور، با استفاده از روش فلسفی در کنار مراجعه به آیات و روایات، بعد از معرفی اخلاص به عنوان معیار سنجش مراتب نیت، مکتب اخلاقی اسلام مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که با در نظر گرفتن جهت و قدرت به عنوان دو مولفه تاثیر گذار در مرتبه نیت، حدنصاب نیت، متناسب با حدنصاب ایمان ترسیم می‌شود. یعنی از نگاه اسلام، نیتی حدنصاب ارزش اخلاقی را دارد که از ایمان به خدای متعال و در مرحله بعد ایمان به نبوت و معاد نشأت گرفته باشد. در این صورت است که میزان قرب آفرین بودن آن و یا به عبارت دیگر میزان اخلاص موجود در آن، به حد لازم برای تامین سعادت حداقلی فرد رسیده است.

کلیدواژه‌ها

حد نصاب، نیت، ارزش اخلاقی، اخلاص، ایمان.

* دانشجوی دکتری اخلاق اسلامی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره. (hassanfarzi@mail.ir)

** دانشیار گروه فلسفه موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی ره. (m-mesbah@gabas.net)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۲)

□ حسن فرزی، مجتبی مصباح (۱۴۰۳). تحلیل مسأله «حد نصاب نیت در ارزش اخلاقی» بر اساس مبانی اسلامی، فصلنامه اخلاق

وحيانی، ۳ (۳۲)، ۱۳۳ - ۱۶۳ | doi: 10.22034/ethics.2024.483419.2016

مقدمه

نیت به عنوان روح عمل، هویت بخش آن است و در سایه نیت است که عمل انسان قوام می‌یابد. در یک تعریف ساده نیت همان انگیزه‌ای است که انسان را به انجام عمل فرا می‌خواند. حال ممکن است این انگیزه متوجه امری مادی یا معنوی باشد. بنابراین وجود نیت به عنوان انگیزه عمل، ربطی به مسلمان بودن و یا حتی دیندار بودن شخص هم ندارد؛ در این صورت همه انسان‌ها با تفاوت درکی که از هستی دارند به دنبال اهداف مختلف و با توجه به آن دارای انگیزه‌ها و نیت‌های گوناگون برای انجام اعمال و رفتارهای خود هستند. از نگاه دین اسلام، نقش نیت در ارزش‌گذاری عمل آن قدر پُررنگ است که گاهی یک عمل ظاهراً مباح مثل غذا خوردن با یک نیت خوب مثل خدمت به خلق خدا ارزش مثبت می‌یابد و در مقابل یک امر عبادی مثل نماز با یک نیت نامطلوب مثل ریا نه تنها ارزش مثبت ندارد بلکه ارزش منفی پیدا می‌کند و چه بسا موجب شود فرد استحقاق عذاب اخروی بیابد. از طرفی، نیت هم‌چون سایر امور نفسانی انسان، امری مشکک و ذومراتب است و دامنه نیاتی که یک فرد در رفتارهای گوناگون خود می‌تواند داشته باشد، بسیار گسترده است. با توجه به این اهمیت و گستردگی پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که کدام نیات از نظر شرع مورد پذیرش قرار می‌گیرند و تامین‌کننده سعادت حداقلی فرد هستند؟ به عبارتی دیگر کدام مراتب از نیات از نظر ارزش اخلاقی، حد نصاب لازم را دارا هستند به گونه‌ای که نیات سطح بالاتر نیات عالی به حساب آیند و نیات در سطوح نازل‌تر، مردود شمرده شوند؟

از آن جا که بحث حاضر، اساساً در فضای فلسفه اخلاق شکل می‌گیرد، روش کلی آن روشی عقلی خواهد بود. اما از طرفی، چون در صدد تبیین نسبت آن به اسلام هستیم، آیات و روایات در آن مطرح می‌شود. در واقع، اسلامی بودن یک بحث در فضای فلسفه اخلاق، به معنای تعدد روش‌های مورد استفاده در بحث نیست، بلکه از آیات و روایات استفاده

می‌شود تا سازگاری بین مباحث مطرح شده و آیات و روایات تبیین شود. هم چنین در مواردی که در نگاه اولیه، ابهام یا شبهه‌ای در سازگاری آیه یا روایتی با بحث مطرح شده به نظر می‌رسد، نسبت آن آیه یا روایت با بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد تا ابهام از بین برود. با توجه به این دو کارکرد در رجوع به آیات و روایات، در نوشتار حاضر، بعد از بیان مفاهیم و جایگاه نیت در مولفه‌های ارزش اخلاقی، با معرفی اخلاص به عنوان معیار رتبه‌بندی نیت و تبیین رابطه آن با شرک، به بیان ماهیت برداری نیت می‌پردازد تا بتوان رابطه انواع مختلف نیت را ترسیم کرد و نهایتاً حدنصابی برای آن تعیین نمود؛ حدنصابی که با تبیین رابطه بین نیت و ایمان معرفی می‌شود. این نوشتار در پی ارائه تحلیلی از مسأله مورد بحث بر اساس مبانی اسلامی است اما در این میان از دیدگاه‌های علامه مصباح یزدی استفاده بیشتری شده است و در مواردی هم برای ترسیم بهتر ابعاد بحث از آثار سایر اندیشمندان مسلمان بهره برده شده است؛ از آن‌جا که علامه مصباح هم مثل بقیه دانشمندان علوم اسلامی در پی بیان دیدگاه اسلام هستند، اگر در مواردی بیان می‌شود نظر اسلام یا قرآن چنین است، در واقع آوردن یک جمع‌بندی از دیدگاه‌های اسلامی پیرامون مسأله حد نصاب نیت است که بیشتر بر اساس آراء علامه مصباح تبیین و تحلیل می‌شود.

مفاهیم

پیش از ورود به بحث اصلی، مناسب است درباره دو مفهوم نیت و ارزش توضیحی بیاوریم.

نیت

نیت - از ریشه نوى - در لغت به معنای عزم، قصد، آهنگ (معین، ۱۳۸۴ / ۴۸۷۹)، اراده، اندیشه (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴ / ۲۰۲۷۳) عزم قلبی بر امری از امور (فیومی، ۱۴۱۴ق، ۲ / ۶۳۲) می‌باشد. صاحب کتاب العین، نیت را به معنای چیزی که انسان با قلب خود، آن را قصد می‌کند - اعم از خیر و شر - می‌داند (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۸ / ۳۹۳). این کلمه، هم به صورت مصدر و هم اسم مصدر کاربرد دارد

(ابن منظور، ۱۴۱۴ ق: ۳۴۷/۱۵). در زبان انگلیسی، واژه‌ی «intention»، معادل این واژه است.

در بیان معنای اصطلاحی، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. شاید بتوان قدر مشترک تعاریف را در قالب این گزاره بیان کرد: نیت، واسطه میان علم و عمل است. البته در تحلیل چگونگی این وساطت تفاوت‌هایی وجود دارد. مثلاً غزالی، نیت را مرادف با اراده و قصد می‌داند و می‌نویسد این سه واژه عباراتی حاکی از یک معنا هستند، و آن، حالت و صفتی در قلب است که دو امر آن را احاطه کرده‌اند: علم و عمل. علم قبل از نیت قرار دارد؛ چرا که علم شرط لازم برای شکل‌گیری نیت است و عمل به عنوان ثمره و حاصل نیت بعد از آن محقق می‌شود (غزالی، بی‌تا: ۱۵۹/۱۴).

امام خمینی رحمت الله علیه، در تعریف نیت چنین می‌نویسد: «نیت عبارت است از تصمیم عزم به اتیان شیء و اجماع نفس بر آوردن آن پس از تصور آن و تصدیق به فائده آن و حکم به لزوم اتیان آن. و آن حالتی است نفسانی وجدانی که پس از این امور پیدا شود، که از آن تعبیر به همت و تصمیم عزم و اراده و قصد می‌کنیم» (خمینی، ۱۳۸۷: ۱۵۶). ایشان هم نیت را مرادف همت، تصمیم، عزم، اراده و قصد می‌دانند که حاکی از حالتی است که پس از تصور و تصدیق فایده‌ی عمل و حکم به لزوم انجام آن، در نفس انسان پدید می‌آید. علامه مصباح یزدی در تحلیل نیت، بین آن و اراده تفاوت قائل می‌شوند، و نیت را این گونه تعریف می‌کنند:

«نیت، به معنای انگیزه‌ای است که تأثیر آن در فعل به شکل آگاهانه صورت می‌گیرد. در واقع اگر تأثیر بالفعل میل‌های درونی انسان، در اراده او، انگیزه، تلقی شود، خود این انگیزه‌ها در دو دسته غریزی و غیر غریزی قرار می‌گیرد که ویژگی این دو دسته به ترتیب ناآگاهانه و آگاهانه بودن آن‌هاست. انگیزه‌ای غیرغریزی در انسان، که آگاهانه در فعل او اثر می‌کند، همان نیت است» (مصباح یزدی، بی‌تا: ۲۱/۱-۲۲). بنابراین در نظر ایشان نیت، خود اراده نیست، بلکه

نوعی انگیزه است که سبب حصول اراده است، و همان هنگام که بالفعل در اراده اثر می‌گذارد نیت نامیده می‌شود. (مصباح، ۱۳۹۱: ۸۴)

ارزش

ارزش، حاصل مصدر ارزیدن، واژه ای فارسی، به معنای قدر، بها و قیمت می‌باشد (معین، ۱۳۸۸: ۱۹۹/۱) اصطلاح ارزش، منحصر به علم اخلاق نیست بلکه در بسیاری از علوم انسانی از جمله روانشناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، اخلاق و... مورد توجه قرار گرفته و تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۳۶).

می‌توان ملاک و قدر جامعی را برای همه این تعاریف در نظر گرفت، و آن «مطلوبیت» است. به این معنا که، در هر علمی اگر چیزی ارزش تلقی شود، یعنی مطلوب است. و این باعث می‌شود یک امر از زوایای گوناگون، ارزش‌های مختلف پیدا کند. مثلاً رسیدن به سود بیشتر از طریق تبلیغات دروغ، دارای ارزش اقتصادی است اما از نظر اخلاقی ضد ارزش به حساب می‌آید (مصباح، ۱۳۹۱: ۸۸). البته ارزش، تنها در معنای مطلوبیت به کار نمی‌رود و گاهی دامنه‌ی معنایی ارزش، از امور مطلوب فراتر می‌رود و امور با توجه به نسبتی که با امر مطلوب دارند، دارای ارزشی خاص می‌شوند. و طبق این تبیین ارزش به سه دسته مثبت، منفی و ارزش خشتی تقسیم می‌شود و ارزش خشتی مربوط به اموری است که نه مطلوب است و نه نامطلوب. (همو، ۱۳۹۶: ۳۴). در این نوشتار، ارزش در هر دو معنا مورد استفاده قرار گرفته است و معنای آن با توجه به قرائن کلام، روشن می‌شود.^۱

ارزش ذاتی و غیره در اخلاق

بنابر این که ارزش به معنای مطلوبیت باشد، سوال این است که، ارزش ذاتی در علم اخلاق

۱. اگر صرفاً اصطلاح ارزش به کار رود، در معنای اول و اگر با قیود کمی مثل مثبت و منفی استعمال شود در معنای دوم است.

چيست؟ يعنى چه چيزى مطلوبيت ذاتى اخلاقى دارد؟ با توجه به موضوع علم اخلاق كه صفات و رفتارهاى اختيارى انسان است، كمال حقيقى اى كه انسان با رفتارهاى اختيارى خود به آن دست مى يابد، و از آن تعبير به كمال اختيارى مى شود، ارزش ذاتى اخلاقى دارد و ساير امور اختيارى موثر در رسيدن به اين كمال، داراى ارزش غيرى اخلاقى هستند (مصباح يزدى، ۱۳۹۱ الف: ۴۹/۱).

مكاتب اخلاقى گوناگون، مصاديق مختلفى را براى كمال حقيقى برشمرده اند، به عنوان مثال مى توان به لذت جسمانى، سود و قدرت به عنوان كمال حقيقى و ملاك ارزش برخى از مكاتب اخلاقى اشاره كرد (مصباح يزدى، ۱۳۸۴ ب: ۱۱۱، ۱۷۱، ۲۱۷). طبق مبانى الهياتى اسلام، مصداق حقيقى كمال مطلق، خداوند متعال است و انسان با نزديك شدن به ذات بارى تعالى حقيقتاً كامل مى شود (همو، ۱۳۸۴ الف: ۹۶). اين قرب نه به معناى قرب مكانى و زمانى، نه يك امر قراردادى و نه يك امر فلسفى به معناى رابطه تكوينى غير اکتسابى بين خداوند و ساير موجودات است، چرا كه همان گونه كه گذشت، موضوع اخلاق در محدوده اختيار انسان معنا مى يابد و امور غير اختيارى از حيطه اخلاق خارجند، بنابراين مراد از آن امرى تكوينى و حقيقى بين انسان و خدا است كه اکتسابى بوده و در تقويت رابطه وجودى انسان با خدا معنا مى يابد. نوع اين رابطه از سنخ علم حضورى است و قرب انسان به خدا به معناى شديدتر شدن علم حضورى نفس به خداى متعال است؛ هر قدر انسان ظهور و شدت وجودى بيشتري داشته باشد به خدا نزديكتر خواهد بود (همو، ۱۳۸۴ ب: ۳۴۴ و ۳۴۵).

پس در اخلاق اسلامى، قرب به خداوند ارزش ذاتى اخلاقى دارد و صفات و رفتارهاى اختيارى به ميزان تاثيرى كه در اين قرب دارند، ارزش غيرى اخلاقى خواهند داشت.

جايگاه نيت در مولفه هاى ارزش اخلاقى

پس از آن كه قرب به خداوند، به عنوان ارزش ذاتى اخلاقى در مكتب اسلام معرفى شد،

باید دید چه عناصری در تحقق این غایت نهایی موثرند. اولین مولفه‌ای که در مکتب اخلاقی اسلام، در ارزش اخلاقی، مورد توجه قرار گرفته است، عبارت است از حسن فعلی^۱؛ یعنی فعل مورد نظر، خود به خود و بدون توجه به این که فاعل آن چه انگیزه‌ای داشته است، کاری خوب و شایسته باشد (همو، ۱۳۸۳: ۲۴). در تبیین دلیل اهمیت این بعد از عمل می‌توان گفت نتیجه کار، معلول آن است و بنابر قانون سنخیت علت و معلول، اولاً نتیجه دلخواه از هر کاری بر نمی‌آید، ثانیاً هر کاری هم به هر نتیجه‌ای منتهی نمی‌شود. از طرفی دیگر چون ارزش کار تابع نتیجه آن است، باید گفت ارزش کار به نوع کار بستگی دارد (مصباح، ۱۳۹۶: ۱۸۶). مولفه‌ای دیگر که تاثیر به‌سزایی در ارزش عمل دارد، حسن فاعلی آن است، یعنی، عمل با نیت مطلوب اتیان شود. البته اگر ارزش را به معنای شاخص کیفی عمل در نظر بگیریم، نیت اعم از خوب و بد خواهد بود و عمل مطابق با آن دارای ارزش مثبت یا منفی می‌شود. روایاتی مثل «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى» (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۶۱۸) بیانگر نقش محوری نیت در ارزش عمل است؛ و بر این نکته تاکید می‌کند که انسان باید مراقب باشد آسیب‌هایی که متوجه نیت است، ارزش اخلاقی عمل را تحت الشعاع قرار ندهد.

آیات بسیاری از قرآن کریم هم، در قالب عباراتی مثل «یرجو»، «یرید»، «ابتغاء» و... در کنار تشبیه‌های مختلف، با بیان نقش انواع مختلف نیت در ارزش اخلاقی عمل، به طور ضمنی به نقش محوری نیت در ارزش اخلاقی اشاره می‌کند.

ممکن است گفته شود، وقتی عنوان بحث، ارزش اخلاقی عمل اختیاری باشد، کاملاً واضح است که جایگاه خود عمل از نیت آن مهم‌تر است و در نتیجه، این حسن فعلی است که نقش تعیین‌کننده تری در ارزش اخلاقی دارد، هم چنان که در آیات قرآن هم

۱. حسن فعلی و فاعلی دو اصطلاح هستند که نظر به ارزشمندی یک عمل در بعد مثبت آن دارند و لذا در ابتدای آن از واژه حسن استفاده شده است، بنابراین اگرچه بحث ارزش اخلاقی اعم از بعد مثبت و منفی است اما چون این اصطلاح شهرت یافته، مورد استفاده قرار گرفته است.

عباراتی هم چون «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ» (نساء: ۱۳) یا «لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى» (یونس/۲۶) به عنوان موضوع برای جاودانگی و سعادت در بهشت ذکر شده‌اند و در آن‌ها بحثی از نیت مطرح نشده است. اما نگاه مجموعی به آیات مرتبط با موضوع سعادت‌مندی انسان، بیانگر این نکته است که در کنار آیات تاکید کننده بر نقش عمل صالح در سعادت انسان، آیاتی، عمل صالح را در کنار ایمان و آیات دیگری هم صرفاً ایمان را موجب سعادت او می‌دانند. در مقام جمع بین این سه دسته از آیات، می‌توان گفت صالح بودن و خوبی یک عمل در صورتی است که ناشی از ایمان و همراه آن باشد (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ الف: ۱۲۵/۱). به عبارت دقیق‌تر ایمان به خدا که خود فعلی اختیاری است گرایشی در وجود انسان ایجاد می‌کند که نیت و انگیزه‌های او را در جهتی الهی سامان می‌بخشد و این همان نقش محوری حسن فاعلی در تعیین ارزش اخلاقی عمل است.

نیت از سنخ میل و گرایش است و بر این اساس مانند نیرو، امری جهت‌دار خواهد بود، از سویی دیگر، امری مسبوق به بینش و معرفت است؛ پس با این حساب نیت همواره متوجه و به سوی امری خواهد بود که متناسب با معرفت مسبوق بر آن است، گاهی به همین مناسبت به امری که نیت متوجه آن است و مقصود انسان به حساب می‌آید، نیت اطلاق می‌شود؛ مثلاً این که نیت فرد، شاد کردن دل یک کودک است. اگرچه در تعبیر دقیق، خود همان معنای مصدری و اسم مصدری که فعل نفس است نیت خواهد بود. (مصباح، ۱۳۹۱: ۸۵)

در تبیین نحوه تأثیر نیت بر نفس انسان، می‌توان گفت نیت، توجه نفس به کمال مرتبه‌ای از مراتب نفس بعنوان علت غائی از انجام فعلی خاص است و همین توجه، نفس را در همان مرتبه رشد می‌دهد. هرچه توجه به یک بُعد بیشتر و عمیق‌تر باشد رشد آن بعد بیشتر خواهد بود. مثلاً نیت مال دوستی، پیروی از هوای نفس، کمک به دیگران انسان را به مال دوست، و نهایتاً مال پرست، پیروی از هوای نفس و نهایتاً هواپرست و نوع دوست و نهایتاً نوع پرست تبدیل می‌کند.

برای تقریب به ذهن، تأثیر نیت در عمل، به نیرو در انجام یک کار تشبیه می‌شود، نیرویی که هم جهت و هم قدرت حرکت عمل را مشخص می‌کند. در این صورت، اگر یک عمل، ظرفیت رساندن انسان به اهداف مختلف را داشته باشد، نیت اوست که مشخص می‌کند چه مقدار و به سمت کدام هدف حرکت کند (همان، ۹۰). البته می‌توان کارکردی فراتر از آن چه گفته شد برای نیت در نظر گرفت و آن در صورتی است که مراد از عمل، اعم از اعمال جوارحی و جوانحی باشد؛ در این صورت نیت دیگر تنها به معنای جهت و قدرت عمل نخواهد بود، چرا که خودش فعلی است اختیاری و به طور واضح تر، در این تقریر تنها فعلی که بلاواسطه تحت اراده و اختیار انسان است، همان نیت کردن اوست، و سایر اعمالی که توسط فرد محقق می‌شود، با واسطه نیت تحت اختیار او قرار دارد. بنابراین این قول، تنها فعل درونی نیت کردن است که ارزش غیری اخلاقی می‌یابد (همان، ۹۲ و ۹۳).

اخلاص معیار سنجش نیت

برای بررسی حد نصاب نیت، ابتدا باید معیاری برای سنجش آن برگزید. بعد از برگزیدن معیار، می‌توان حد نصابی را که دین برای نیت تعریف کرده است مورد واکاوی قرار داد. معیاری که بتوان بواسطه ی آن مراتب را سامان بخشید «اخلاص» است، به این معنا که با سنجیدن میزان اخلاص موجود در نیت، می‌توان مرتبه آن را مورد ارزیابی قرار داد. برای روشن شدن مطلب بعد از تعریف اخلاص، چرایی معیار بودن اخلاص تبیین می‌شود.

اخلاص - از ریشه‌ی خلص، به معنای سالم و پاک شدن از زوائد و اضافات (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۸۶/۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۰۸/۲) - به معنای خالص کردن، دوستی خالص داشتن و خلوص نیت داشتن آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵؛ ۲۲۹۳۳/۱۵؛ معین، ۱۳۸۸: ۱/۱۲۱) واژه خالص مرادف واژه صاف و زلال است؛ با این تفاوت که پاکی موجود در شیء خالص، حالت اولیه آن نیست، بلکه این حالت بعد از برطرف شدن آلودگی‌ها و شوائب حاصل می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۹۲). علمای اخلاق عبارات گوناگونی را در تعریف اخلاص بیان کرده‌اند، یکی از گویا ترین و

ساده ترین تعاریف عبارت است از: تنزیه العمل أن یكون لغير الله فيه نصيب (شیخ بهایی، ۱۴۳۱ق: ۴۴۱)؛ به این معنا که انسان عملش را فقط به قصد انجام فرمان الهی و جلب رضایت خداوند انجام دهد و هیچ قصد و نیت دیگری همراه عملش نباشد. البته ممکن است عمل او در حضور دیگران باشد اما قصدش این نیست که دیگران او را ببینند و تعریف و تمجید کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۸۳).

تبیین چرایی معیار بودن اخلاص

همانطور که در امور مادی برای محک ارزش هر چیز درصد خلوص امر مطلوب در آن را می‌سنجند؛ مثل معیاری که در خرید و فروش طلا وجود دارد، که با توجه به میزان خلوص طلای موجود در آن رتبه بندی می‌شود. در امور معنوی هم به تناسب، معیاری وجود دارد که با وجود آن، ارزش عمل سنجیده می‌شود، این معیار را در بحث نیت، می‌توان اخلاص در نظر گرفت. در مقام توضیح می‌توان گفت طبق مطالبی که در قسمت‌های قبل بیان شد، ارزش ذاتی اخلاقی در مکتب اخلاقی اسلام، در قرب به خداوند تعریف می‌شود، از طرفی اخلاص معنایی جز خالص بودن عمل از نظر حضور خداوند در انگیزه و نیت فرد برای انجام عمل ندارد، بنابراین می‌توان اخلاص را به عنوان ملاک سنجش میزان قرب آفرین بودن عمل اخلاقی، معرفی کرد، و این تفسیر از اخلاص چرایی معیار بودن آن برای رتبه بندی نیت انسان به عنوان یک فعل اختیاری را روشن می‌کند. به این معنا که هر قدر حضور خداوند در نیت عمل پررنگ تر باشد اخلاص بالاتر و ارزش عمل بیشتر و همین‌طور هر قدر حضور خداوند در نیت عمل کمتر باشد با توجه به این که عمل اختیاری در هر صورت دارای نیت و انگیزه ای است، حضور خداوند در نیت کم رنگ تر شده تا جایی که عمل دیگر هیچ نسبتی با خداوند پیدا نمی‌کند و هوس‌ها و امیال مذموم گوناگون جای آن را اشغال می‌کند. پس با این توضیح هر قدر عمل خالص تر بوده و از ناخالصی‌ها بیشتر مبرا شود، در

قرب به خداوند متعال موثر تر و ارزش و مرتبه آن بالاتر است و هر چه ناخالصی بیشتر، ارزش و رتبه عمل نزول می‌یابد.

شرک؛ نقطه مقابل اخلاص

با توجه به این که در اخلاق از ارزش‌های منفی هم بحث می‌شود، می‌توان نقطه مقابل اخلاص را شرک در نظر گرفت و آن را به عنوان معیاری برای سنجش نیات نامطلوب معرفی کرد، به این معنا که هر قدر شرک موجود در عمل قوی تر باشد، آن عمل ارزش اخلاقی منفی بیشتری خواهد داشت. به عبارت واضح تر، در خود امور شرک آمیز هم هر قدر، جهت مورد توجه در عمل مذموم پست تر و نسبت دوری آن از خداوند شدید تر باشد، شدت افت مرتبه ی عمل افزایش می‌یابد مثلاً اگر یک گناه مثل دروغ‌گویی صرفاً برای رسیدن به سود مالی نامشروع شخصی انجام شود و در مورد دیگر همین عمل با هدف دشمنی با خداوند و یا از بین بردن نظام اسلامی انجام شود، عمل دوم در منفی بودن و شرک آمیز بودن که موجب سقوط شخص می‌شود شدت و ضریب بیشتری خواهد داشت.

البته اگر اخلاص در معنای لغوی خود مورد توجه قرار گیرد بدون نظر به متعلق آن، هر دو بعد ارزش اخلاقی مثبت و منفی را پوشش می‌دهد که در بعد مثبت میزان آن با توجه به میزان خدایی شدن آن سنجیده می‌شود و در بعد منفی میزان آن با در نظر گرفتن میزان توجه به غیر خدا سنجیده می‌شود، اما به دلیل این که در لسان شرع معمولاً اخلاص، در معنای مثبت به کار می‌رود (غزالی، بی تا: ۱۴/۱۸۳)، در این نوشتار هم نقطه مقابل با عنوان شرک، مطرح می‌شود.

توجه به این نکته هم لازم است که اخلاص و شرک، همچون مفاهیم مشکک دیگر، مثل کمال، نقص، قرب و بعد دو اطلاق دارد: یکی اطلاق نسبی و دیگری اطلاق حداکثری. بدین معنا که گاهی اوقات و در برخی کاربردها اخلاص یعنی حصول عالی ترین حد از آن، که

در این صورت پایین تر از آن اخلاص نخواهد بود و در یک کاربرد، هر مرتبه ای از اخلاص که محقق شود، می‌توان آن را اخلاص در نظر گرفت. این توضیح در مفهوم شرک هم جریان دارد و در این نوشتار مراد از این اصطلاحات در همه موارد- مثل ایمان و قرب و اخلاص و شرک و کمال و...، همان معنای نسبی آن است و نه حد اعلای آن و گرنه نمی‌توان حالتی را در نظر گرفت که اخلاص و شرک در کنار هم وجود داشته باشند، چرا که اگر هر کدام در حد اعلای خود باشند دیگری در کنار آن مطرح نمی‌شود و مقصود از بسیاری از آیات و روایات، مثل آیه ۱۰۶ سوره مبارکه یوسف که شرک و کفر و ایمان و اخلاص را در کنار هم به انسان‌ها نسبت می‌دهند، همین معنا است؛ برخلاف موارد معدودی مثل آیه ۴۸ سوره مبارکه نساء، که شرک در معنای حد اعلای آن به کاررفته است.

انواع مختلف نیت و رابطه بین آنها

قبل از بیان انواع نیت، و رابطه بین آنها ابتدا ماهیت نیت، بررسی می‌شود:

ماهیت برداری نیت

قبل از ورود به بحث از ماهیت برداری نیت، لازم است تا در مورد سیر شکل‌گیری نیت در وجود انسان سخن به میان آید. بر این اساس باید گفت، وجود انسان در ابتدا ذاتی است که مصداقا هم علم است و هم گرایش: هم علم به ذات و هم حب به ذات، که این دو هم عین ذات است. در ادامه مسیر زندگی و با توجه انسان به محیط پیرامون و سر بر آوردن نیازهای مختلف، حب ذات، که در پی کسب کمالات بیشتر برای ذات و بر طرف کردن نقص‌های آن است، در اثر علم و معرفتی که به نیازمندی خود دارد، منشاء نیتی می‌شود که فعلی اختیاری است. این فعل، خود، گرایش را در ذات انسان ایجاد می‌کند که محرک او برای فعل‌های بعدی است. رفته رفته هرچه انسان بیشتر با پدیده‌های زندگی آشنا می‌شود، معرفت‌ها و دریافت‌های او از خود و محیط پیرامونش بیشتر می‌شود به گونه‌ای که

معرفت‌های مختلف گرایش‌های مختلفی را در وجود او ایجاد می‌کنند و هر کدام از این گرایش‌ها که بر سایر گرایش‌ها غلبه کند، به نیت که فعلی اختیاری است منجر می‌شود. نتیجه این فعل اختیاری، معرفت و گرایشی جدید در فرد است که در کنار سایر گرایش‌ها و معرفت‌ها، رفتارهای بعدی را شکل می‌دهد، این سیر همواره در زندگی فرد ادامه دارد و بر ابعاد و پیچیدگی آن افزوده می‌شود. پس همان‌گونه که در توضیح اصطلاح نیت، در ابتدای بحث گفته شد، نیت در یک کاربرد به فعل اختیاری نفس گفته می‌شود و در کاربردی دیگر به نتیجه این فعل که همان گرایش ایجاد شده در فرد است اطلاق می‌شود.

با این توضیح، در مقام تبیین ماهیت برداری نیت باید گفت، تشبیه نیت به نیرو و سایر کمیت‌های برداری^۱، به این خاطر است که نیت هم، مانند سایر امیال و گرایش‌های انسان هم چون کمیت‌های برداری، علاوه بر اندازه، دارای جهت نیز می‌باشد. اگر سوال شود این اندازه و جهت را چه چیزی تعیین می‌کند، پاسخ این است که در نیت، جهت، همان کمالی است که فرد در پی آن است و ریشه در حب ذات انسان دارد، به این معنا که چون انسان ذات خود را دوست دارد، کمال آن را هم دوست می‌دارد و در پی کسب کمال برمی‌آید. از طرفی مقاصد انسان و کمالاتی که وی در پی آن‌هاست، با توجه به نوع جهان بینی او می‌تواند انواع گوناگونی داشته باشد. در برخی موارد این کمالات می‌تواند صرفاً از نظر وی کمال باشد در حالی که واقعا کمال به حساب نیاید. جهان بینی مادی بیشتر مقاصد مادی، مثل کسب ثروت و غرق شدن در شهوات را به عنوان کمال انسان ترسیم می‌کند. در مقابل جهان بینی الهی مقاصد و انگیزه‌های انسان را به سمت جلب کمالات حقیقی متمایل می‌کند. این مقاصد، خود دارای مراتبی مختلف هستند. با توجه به این که نیت انسان در افعالش به سوی

۱. بریتانیکا: در اصطلاح علم فیزیک: کمیت برداری، کمیتی است که علاوه بر اندازه دارای جهت نیز می‌باشد، کمیت‌هایی مثل: جابجایی و نیرو. بر خلاف کمیت‌های نرده‌ای که صرفاً دارای اندازه می‌باشند، مثل دما و جرم.

کدام یک از این مقاصد است، سطوح گوناگونی در نیت انسان پدید می‌آید، که مراتب نیت انسان را شکل می‌دهند. البته خود فعلی که متعلق نیت فرد است، هم به عنوان جهت نیت او به حساب می‌آید؛ با این توضیح که در طول آن هدف نهایی قرار دارد و نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند. مثلاً جهت نیت فرد انفاق کردنی است که او را به بهشت برساند.

اما در مورد شدت و اندازه نیت، میزان توجه به نیت است که شدت و اندازه آن را تعیین می‌کند. توضیح این که توجه، خود به دو معنا بر شدت و قدرت نیت تاثیر گذار است. یک توجه به معنای میزان اهمیت رسیدن به مقصد مورد نظر نزد فاعل از طریق انجام فعلی خاص است. میزان این اهمیت با توجه به این که فاعل حاضر است در قبال تحقق آن هدف و مقصد چه چیزهایی را هزینه کند قابل ارزیابی خواهد بود، مثلاً اگر با انفاق کردن به دنبال کسب بهشت است (جهت)، حاضر است چه مقدار در این راه هزینه کند؟ تنها مال خود را انفاق می‌کند و یا حاضر است از آبرو و جان خود هم بگذرد؟ در صورت اول آیا حاضر است بخش قابل توجهی از مال خود را انفاق کند یا تنها بخش کوچکی از آن را در این راه صرف می‌کند؟ همینطور در سایر مقاصدی که ممکن است یک فرد از فعل خود در نظر داشته باشد، مثل رسیدن به ریاست یا شهرت و... میزان اهمیتی که این اعمال نزد فاعل آن دارند، میزان توجه فرد به آن را آشکار می‌کند. توجه در معنایی دیگر به معنای علم به علم است؛ این که انسان چه میزان به این که چه هدفی برای او اهمیت دارد، علم دارد. توجه در این معنا می‌تواند به شکل کاملاً آگاهانه و یا نیمه آگاهانه تحقق یابد تا جایی که حتی ممکن است به سمت ناخودآگاه هم پیش برود، اما در هر صورت این علم مضاعف وجود دارد و به صفر نمی‌رسد چرا که این تفاوت انسان‌ها با حیوانات است که آن‌ها نسبت به انگیزه‌های افعال خود آگاهی ندارند اما در مورد انسان‌ها این آگاهی ولو به شکل ضعیف موجود است. توجه به هر دو معنا در نیت وجود دارد و در کنار جهت، مرتبه آن را مشخص می‌کند. البته میزان

تأثیر توجه در هریک از معانی دوگانه در نیت متفاوت است.

برای مقایسه میزان تأثیر توجه در معنای اول و دوم، در قدرت و اندازه نیت، باید شرایطی را تصور کرد که متعلق دو توجه متفاوت باشد، با این توضیح، اگر از توجه به معنای دوم به آگاهانه بودن علم تعبیر کنیم، و توجه در معنای اول همان اهمیت جهت مدنظر از فعل در نزد فاعل باشد، گویا میزان اهمیت، نسبت به میزان آگاهانه بودن نقش تعیین کننده تری را داشته باشد، چرا که میزان اهمیت یک هدف است که سر بزنگاه‌ها تعیین می‌کند که فرد کدام انگیزه را بر سایر انگیزه‌ها مقدم کند و در اصطلاح با چه نیتی فعل خود را انجام دهد، حتی اگر میزان آگاهانه بودن آن نیت کم باشد. در واقع، آنچه تأثیر مستقیم در انتخاب فرد و ترجیح یک طرف دارد، میزان اهمیتی است که وی برای آن طرف قائل است، اما میزان آگاهی او صرفاً زمینه‌ای فراهم می‌کند که ممکن است موجب اهمیت دادن بیشتر نیز باشد و در این صورت است که موجب ترجیح و انتخاب خواهد شد؛ مثلاً فردی خود گمان می‌کند عملش را برای رضا خدا انجام می‌دهد در حالی که در باطن او، جلب نظر دیگران برای او مهم تر است. حتی اگر جلب توجه دیگران به شکل نیمه آگاهانه و ضعیفی انگیزه او باشد اما به دلیل این که در واقع اهمیت بیشتری برای فرد دارد، تأثیر بیشتری بر نیت گذاشته و با قدرت بیشتر نیت او را به سمت ریاکارانه بودن سوق می‌دهد، و آن توجه آگاهانه تری که فرد گمان می‌کرد عملش را در مسیر قرب الهی قرار دهد، به دلیل اهمیت کم جلب رضای خداوند برای فرد در قیاس با جلب رضایت مردم رنگ می‌بازد. البته اگر انسان خوب در باطن خود دقت کند درمی‌یابد که کدام جهت نزد او از اهمیت بیشتری برخوردار است (قیامة/ ۱۴ و ۱۵)، هر چند ممکن است با سوء رفتارهایی که از وی بروز می‌یابد راه درک باطن و کشف حقیقت نیات خود را بر خود ببندد. در این صورت مصداق روایتی خواهد شد که فرد عمل عبادی را انجام می‌دهد اما خودش به مشرکانه بودن آن توجهی ندارد و پس از طی چند مرحله نهایتاً خداوند

عمل او را نمی‌پذیرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۴۷/۶۷) بعد از تبیین ماهیت برداری نیت، انواع نیت و رابطه بین آنها بررسی می‌شود.

انواع نیت و رابطه بین آنها

رابطه‌ای که بین نیت مختلف متصور است، می‌تواند طولی یا عرضی باشد. با نگاهی به انواع نیت بیان شده در لسان آیات و روایات می‌توان دریافت که هر دو شکل از رابطه بین نیت مختلف وجود دارد. به عنوان مثال برای رابطه طولی، در نیت با ارزش اخلاقی مثبت، توجه به روایاتی مثل روایت عباد ثلاث، نمونه روشنی است: *إِنَّ الْعِبَادَ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَوْفًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَلَبَ التَّوَابِ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حُبًّا لَهُ فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ* (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۸۴/۲). از تعبیر «افضل العباده» کاملاً مشخص است که عبادت احرار نسبت به دو گروه دیگر، از ارزش و مرتبه بالاتری برخوردار است. و همین مطلب برای اثبات وجود مراتب طولی در نیت با ارزش مثبت کافی است.

هم چنین، در مورد رابطه طولی در نیت با ارزش اخلاقی منفی، به عنوان نمونه، نیت اصرار بر یک گناه از نیت خود آن گناه ارزش منفی بیشتری دارد، و این ارزش منفی مضاعف به گونه‌ای است که بنا بر آیه ۱۵۳ سوره آل عمران: *وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ*، اگر فرد، بنای بر اصرار بر گناه داشته باشد موجب عدم پذیرش استغفار او خواهد شد، چرا که در این صورت فرد گناهکار، خداوند متعال را مورد اهانت قرار داده و هیچ احترامی برای او قائل نیست (طباطبایی، ۱۴۰۳ق، ۲۱/۴).

از طرفی تفاوت قائل شدن بین برخی نیت به لحاظ ارزشی، چندان قابل اثبات نیست، مثلاً نیت منفی مثل شکم پرستی و مال دوستی یا نیت مثبت مثل نیت خوف از عذاب با نیت رسیدن به ثواب و نعمت چندان به لحاظ ارزشی قابل رتبه بندی نیستند. شاهد بر این

مدعا در مورد خوف و رجا این است که این دو نیت در روایات و به تبع آن در نوشته‌های علما در کنار هم ذکر شده‌اند، و هیچ یک بر دیگری برتری داده نشده است. (ر.ک. کلینی، ۱۴۰۷ق: ۸۴/۲؛ عاملی، بی تا: ۷۶/۱) با این حساب به شکل توأمان رابطه طولی و عرضی بین نیات مختلف وجود دارد.

توجه به این دو شکل از رابطه و توضیحی که در بیان اخلاص و شرک، به عنوان ملاک سنجش قرب آور بودن یا دور کننده بودن نیت بیان شد، این نتیجه را به ذهن متبادر می‌کند که نیات، دارای مراتبی هستند که از دو طرف تا بینهایت ادامه دارد، چرا که هر قدر نیات ارتقاء یابند با توجه به این که خداوند کمال بی‌نهایت است، میزان قرب به او هم بی‌نهایت خواهد بود و از سمت دیگر هم شرک ورزیدن به خدا و دور شدن از او هم مراتب وسیعی دارد که حد توقفی بر آن متصور نیست. در میان این طیف از نیات که نماینده رابطه طولی بین نیات هستند، برخی از نیات به شکل عرضی هم مرتبه با یکدیگرند، حتی اگر در واقع نسبت به هم اولویتی داشته باشند و واقعا رابطه ی طولی بین آنها وجود داشته باشد، صراحتا نمی‌توان آنها را رتبه‌بندی کرد، مگر این که دلیل قابل استنادی در اختیار باشد.

آنچه در مورد رابطه بین نیات گفته شد، رابطه نیات مختلف، به تنهایی و به طور مستقل، به لحاظ هدف و مقصد نهایی ای بود که نیت در پی آن بود. اما معمولا برای هر فرد در مقام عمل انگیزه‌های آگاهانه مختلفی مطرح می‌شود، حال باید دید تاثیر و تاثر انگیزه‌های مختلف، و برآیند نهایی آنها چگونه ظهور می‌کند؟

ترسیم انواع تاثیر نیات بر یکدیگر در مقام عمل (به لحاظ مخلصانه یا شرک آمیز بودن نیت)

همانطور که در تشبیه نیت به نیرو بیان شد، نیت علاوه بر جهت دارای اندازه هم هست، از طرفی هنگام انجام یک فعل خاص انگیزه‌های مختلفی می‌تواند وجود داشته باشد، این که کدام انگیزه بر انگیزه‌های دیگر ترجیح داده می‌شود و به عنوان نیت آن فعل نامیده می‌شود

صورت‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد (غزالی، بی‌تا، ۱۹۱/۱۴ و ۱۹۲):

۱. این که انگیزه‌ها صرفاً الهی باشند در این صورت با توجه به مرتبه هدف، نیت فرد، ارزش مثبت اخلاقی خواهد داشت. مثل نماز با نیت توأمان رسیدن به بهشت و دوری از جهنم.

۲. انگیزه‌ها صرفاً شرک‌آمیز باشند در این صورت هم قطعاً نیت حاصله ارزش اخلاقی منفی است و عمل حاصل از آن مستوجب عقاب الهی خواهد بود. مثل انفاق با نیت خودنمایی و تحقیر دیگری.

۳. انگیزه‌ها ترکیبی از دو شکل مخلصانه و شرک‌آمیز باشد: در این صورت،

○ اگر هر دو سنخ نیت کاملاً برابر باشند، عمل نه عقاب دارد و نه ثواب. یعنی عمل ارزش اخلاقی خنثی خواهد داشت.

○ اگر یکی نسبت به دیگری غلبه داشته باشد:

○ نیت الهی غلبه داشته باشد: به میزان غلبه آن ثواب و ارزش اخلاقی مثبت خواهد داشت.

○ نیت شرک‌آمیز غلبه داشته باشد: مستحق عقاب است اما سبک‌تر از زمانی که نیتش کاملاً شرک‌آمیز است. به میزان اخلاص موجود در آن از شدت عقاب و ارزش اخلاقی منفی آن کم می‌شود.
توجه به دو نکته در این جا اهمیت دارد:

نکته اول عبارت است از این که در دو شکل اخیر از ترکیب انگیزه‌های مختلف، توجه به بحث دو معنای توجه که در ماهیت برداری نیت توضیح داده شد، بسیار مهم است چرا که همانگونه گذشت، ممکن است یک انگیزه متعالی، آنقدر در وجود فرد اهمیت نداشته باشد که بخواهد در مقابل انگیزه پست دیگری که او را به همان عمل فرا می‌خواند مقاومت کند،

هرچند خود او گمان کند عملش را طبق آن انگیزه متعالی انجام داده است. و نکته دوم این که ممکن است نیات متزاحم در واقع، اختلاف مراتب بسیار زیادی داشته باشند، اما فرد به لحاظ نقص در معرفت آن‌ها را در عرض هم و یا به شکل نادرست رتبه بندی کند، مثلاً نیت ریایی را همانقدر مهم بداند که نیت قرب الهی در نظرش مهم است و یا این که اصلاً ریاکاری برای او اوج کمال تلقی شود هرچند در واقع این گونه نباشد. حال با توجه به مطالبی که در مورد رابطه نیات و انگیزه‌های مختلف و روش ارزیابی آن‌ها بیان شد، می‌توان موضوع حدنصاب نیت در ارزش اخلاقی را مورد بررسی قرار داد.

حد نصاب نیت، متناظر با حدنصاب ایمان

برای بیان حد نصاب نیت در ارزش اخلاقی، لازم است سیر تحقق نیت و عواملی که قبل از آن بر شکل‌گیری نیت تاثیرگذار بوده‌اند به طور اجمالی بیان شود. گفته شد نیت کردن به عنوان فعلی اختیاری که از سنخ امور باطنی انسان است، خود مسبوق به معرفت و بینش است؛ معرفت و بینشی که انسان در اثر قوه حقیقت جوئی - که یکی از جلوه‌های کمال‌گرایی انسان است - در پی کسب آن برمی‌آید (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ الف: ۵۰/۲). بعد از کسب معرفت و به وجود آمدن گرایش در وجود انسان برای عمل بر طبق محتوای آن معرفت، چنانچه انسان تصمیم بگیرد به متعلق این معرفت ملتزم باشد، این فعل اختیاری درونی انسان که مسبوق به بینش و گرایش است، همان ایمان است که به معنای بنای کلی فرد برای التزام به لوازم یک معرفت است (همو، ۱۳۹۴: ۱۸۵/۲). بینش و گرایش مسبوق بر ایمان، خود می‌تواند متعلق‌های متفاوتی داشته باشد. البته در ادبیات دینی اسلام، ایمان به التزام عملی‌ای گفته می‌شود که بینش و گرایش مسبوق بر آن در مورد خدای متعال باشد، یعنی فرد صاحب بینش و معرفتی در مورد یک موجود که کمال مطلق است شده است و با توجه به گرایش فطری خود به کمال، نسبت به آن کمال مطلق گرایش پیدا می‌کند. از این

رو تصمیم می‌گیرد به لوازم این اعتقاد پایبند باشد، یعنی به او ایمان بیاورد، هر چند ممکن است افراد به علت موانعی که در مسیر رشد بینش‌های آن‌ها قرار دارد به چنین شناختی نرسند و یا حتی در صورت کسب معرفت، به علت محبت داشتن به امور مخالف با لوازم این معرفت، به سمت التزام عملی یافتن و ایمان آوردن نروند (همو، ۱۳۹۱ الف: ۲/۱۳۷ و ۱۳۸). این ایمان و بنای کلی، باعث می‌شود فرد در تک تک نیات خود که معطوف به اعمال خاص او خواهد بود، جهتی الهی داشته باشد. پس ایمان و معرفت مسبوق بر آن، جهت نیت را تعیین می‌کند. البته ممکن است فرد حتی در صورت ایمان داشتن به خداوند و التزام به آن بنای کلی، باز هم در برخی موارد، انگیزه‌های غیر الهی را ترجیح دهد. تفاوت این صورت با صورت قبلی این است که در مورد قبل، آن بنای کلی وجود ندارد ولی در این حالت، خروج از التزام عملی مبتنی بر معرفت به خداوند، یک حالت استثنائی به حساب می‌آید و سقوط کلی رخ نمی‌دهد بلکه ضعف ایمان باعث سقوط درجات کمال او می‌شود (همان: ۱۵۶). با این همه، در این حالت هم، تکرار بها دادن به انگیزه‌ها و خواسته‌های غیر الهی، رفته رفته می‌تواند تا مرحله‌ای فرد را سقوط دهد که اصل ایمان او را مخدوش کند (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹۱/۲)، همان گونه که معرفت افزایی نسبت به خداوند و انس عملی بیشتر با آموزه‌های دینی ایمان را تقویت می‌کند (همان: ۱۹۰).

از نگاه دین اسلام، حد نصاب ارزش اخلاقی عمل در معنای عام شامل عمل ظاهری و باطنی، این است که عمل برخاسته از ایمان به خدا باشد، ایمانی که در پی آن ایمان به معاد و نبوت هم شکل می‌گیرد. یعنی متعلق اصلی، ایمان به خداوندی است که کمال مطلق است و حکمت و عدالت از ویژگی‌های اوست، در این صورت، آفرینش را دارای هدفی والا قرار داده است و برای هدایت بشر به سوی آن مقصد، رسولانی را به سوی آنان فرستاده است (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱ الف: ۱۳۰/۱).

به شکل متناظر در مورد حدنصاب نیت هم این موضوع برقرار است، یعنی حد نصاب نیت به معنای حداقل نیتی که انسان را به سمت سعادت ابدی سوق می‌دهد نیتی است که برخاسته از ایمان به خدا باشد، یعنی فرد خواهان این باشد که بهشت برود و جهنم نرود که این نیازمند معرفت به بهشت و جهنم است؛ معرفتی که باور به معاد، بعد از باور به خدای متعال در وجود انسان ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، ملاک این است که انسان سعادت ابدی‌اش را واقعا بخواهد، و نیتی حد نصاب لازم را دارد که انسان به واسطه آن در پی سعادت ابدی خود باشد، یعنی اگر واقعا به خدا ایمان دارد، پس به معاد یعنی بهشت و جهنم هم ایمان داشته باشد و کارهایش را به گونه‌ای انجام دهد که بتواند نعمات بهشتی را کسب کند و از عذاب جهنم مصون بماند.

با این تبیین، بعد از برآیندگیری از انگیزه‌های مختلفی که نسبت به یک فعل در وجود انسان مطرح است، نیت نهایی‌ای که حد نصاب ارزش اخلاقی را داراست قاعدتا نمی‌تواند از نیات مذموم و مشرکانه باشد، پس نیاتی مثل شرک و کفر ورزیدن، در مرحله برآیند، قطعا حدنصاب ارزش اخلاقی از دیدگاه اسلام را ندارند. اما منفی نبودن برآیند نیات، برای کسب حدنصاب ارزش اخلاقی کفایت نمی‌کند. چرا که میزان قرب آور بودن و یا همان اخلاص موجود در آن، باید به میزان لازم برای تحقق ایمان به خدا، رسیده باشد.

اعمال خیرخواهانه کفار

ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر این سطح از ایمان برای تحقق حدنصاب نیت، لازم باشد، اعمال افرادی که خدمات اجتماعی خود را در جهت ارزش‌های انسانی در معنای عام آن ارائه می‌دهند اما ایمان به خدا-به آن معنایی که در اسلام تعریف شده است- ندارند، به لحاظ ارزش اخلاقی چگونه خواهد بود؟

پاسخ این است که اولاً چنین افرادی به واسطه کارهای انسان دوستانه‌ای که انجام

داده‌اند، هرچند به حد نصاب لازم نرسیده باشند، اما عمل آن‌ها دارای ارزش اخلاقی‌ای است که انسان را مستعد رسیدن به کمال خویش می‌کند و زمینه ساز تقرب آن‌ها به خداوند متعال خواهد بود (همو، ۱۳۹۱ب: ۵۰/۱). همان‌گونه که خداوند متعال در آیات ۹۸ و ۹۹ سوره مبارکه نساء در مورد مستضعفینی که راه هدایت بر آن‌ها بسته شده و عدم هدایت آن‌ها، مستند به کوتاهی آنان نیست، فرموده است چه بسا مورد عفو الهی قرار بگیرند و عقوبتی متوجه آنان نباشد. ثانیاً در چنین مواردی اگر انگیزه فرد آنقدر قوی و متعالی باشد که اگر بفهمد حقیقت زندگی دنیوی چیست و برنامه کامل برای آن کدام است آن را دنبال و در صدد پیروی از آن برآید، چه بسا بتوان گفت این فرد حدنصاب لازم را داراست. اما اگر کسی بنا داشته باشد که به خواسته خود عمل کند و اگر حقیقت چیزی جز این بود آن را نپذیرد، به حدنصاب لازم نرسیده است هرچند خدمات اجتماعی گسترده‌ای ارائه دهد. این افراد مصداق همان کسانی هستند که در آیه ۹۷ سوره مبارکه نساء از آن‌ها سخن به میان آمده است؛ افرادی که با وجود داشتن شرایط لازم برای هدایت شدن، در پیمودن این مسیر کوتاهی کرده و خود را از سعادت دور کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۰۳ق: ۵/۵۰ و ۵۱).

بنابراین حداقل در مقام اثبات نمی‌توان صراحتاً گفت اعمال افراد منصفی که دین به آن‌ها نرسیده و در این امر کوتاهی نداشته‌اند از دامنه حدنصاب ارزش اخلاقی نیت بیرون است. با این توضیح، اگر گفته شود هر انسانی که کاری اخلاقی انجام می‌دهد حتی اگر خدا را نشناسد و یا بشناسد ولی عملش را برای رضای او انجام ندهد، عملاً در حال یک خداپرستی ناآگاهانه است (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۱۶-۱۱۹)، این نکته را پیش فرض دارد که فرد، در انجام وظیفه خود کوتاهی نکرده است و انگیزه عنادآمیزی نسبت به خداوند ندارد، اما در صورتی که در برابر خداوند یا هر موجود دیگری که برخلاف خواسته او حکم کند، دشمنی ورزد، عمل او خداپرستی نخواهد بود.

عبادت برای کسب پاداش یا مصون ماندن از عذاب اخروی

موضوع دیگری که موجب بحث‌هایی در میان برخی از صاحب‌نظران جهان اسلام در خصوص حدنصاب نیت شده این است که آیا انجام عمل عبادی برای مصون ماندن از عذاب یا رسیدن به ثواب اخروی از نظر دین و شارع مقدس به رسمیت شناخته می‌شود و یا سطح آغازین برای ورود به عرصه بندگی حقیقی خداوند، سطحی بالاتر از این دو نیت است و این نیت هیچ تفاوتی با نیت دنیوی ندارند؟ پاسخ این است که با توجه به تاییدات قرآنی و روایی در به رسمیت شناختن این دو سنخ از نیت، و عمل صورت گرفته با در نظر داشتن آن، چنین نیاتی، حد اقل نصاب لازم برای عمل مقبول را دارد. وجود آیات بسیاری که در آن‌ها خداوند، خود را خریدار عمل انسان معرفی می‌کند و از این طریق انسان را به عمل صالح فرا می‌خواند، در کنار آیاتی که به عقوبت‌هایی شبیه به عقوبت‌های دنیوی اشاره می‌کند و در مقام هشدار برای نهی از نافرمانی خداوند هستند، شاهد این ادعاست. هر چند اگر انسان در طریق بندگی و کسب معرفت پیش رود تا بدان جا می‌رسد که دیگر در نظر او دو نوع اول از عبادت، حق عبادت باری تعالی را ادا نمی‌کند و در می‌یابد باید خداوند را صرفاً به خاطر خود او پرستید، چرا که شایسته آن است، حتی اگر بهشت و جهنمی در کار نباشد (طباطبایی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۷/۱۱-۱۶۰). پس نکته اصلی در این است که دین مبین اسلام در ارائه برنامه‌های عملی خود، تفاوت سطوح معرفتی و ایمانی مخاطبان را مدنظر قرار می‌دهد و در عین حال، به رهروان طریق بندگی گوشزد می‌کند برای رسیدن به مراتب اعلای کمال تلاش کنند. «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه: ۷۲).

عبادت برای مقاصد دنیوی

حال اگر مقصد مورد توجه، برخی از امور دنیوی باشد، مثلاً این که فرد نماز بخواند تا بالای

دنیوی از او دفع شود. آیا حدنصاب لازم را داراست یا حد نصاب را ندارد و عمل باطل است؟ علامه مجلسی بحث دقیقی را در این زمینه مطرح می‌کند:

این که گفته شود چنین عملی باطل است، مشکل به نظر می‌رسد چرا که عباداتی با چنین موضوعاتی در روایات وجود دارند مثل نماز حاجت، یا دعاهایی برای افزایش روزی وارد شده است. اگر گفته شود باید در این امور آن امر دنیوی قصد نشود تا عبادت انگیزه و نیتی دنیوی نیابد، چنین سخنی جمع بین ضدین و تکلیف به محال است، مثل این است که به کسی گفته شود به فلان بازار برو فلان کالا را خریداری کن اما قصدت خریدن آن کالا نباشد، هم چنین در بسیاری از احادیث مزایا و منافع دنیوی برای بعضی از عبادات بیان شده است، مثلاً نماز شب موجب وسعت رزق می‌شود و یا این که حج انسان را ثروتمند می‌کند، در این موارد اگر قصد این گونه امور دنیوی با قصد قربت منافات داشته باشد، تذکر این موارد در روایات دعوت به بدی و کار نادرست است، چون وقتی انسان به این امر توجه پیدا کرد بسیار سخت است که بخواهد فکر و قلبش را از آن منصرف کند، البته در این جا می‌توان به نوعی قصد قربت را درست کرد به این صورت که غرض از وسعت رزق و ثروتمند شدن، مصرف آن در امور خیر باشد یا غرض از طول عمر افزایش مدت بندگی خداوند باشد، اما این اهداف عالی برای مردم عادی میسر نیست، و مختص اولیاء و مقربین درگاه خداوند است؛ اگر هم از افراد معمولی کسی ادعای چنین نیتی را داشت باید دانست که این نیت تنها در ذهن و فکر او وارد شده و فاصله آن با نیت حقیقی بسیار زیاد است. پس معلوم می‌شود در عبادت بودن یک عمل همین مقدار که شخص آن عمل را به امر خدا، با رضا و خشنودی خداوند و توسل به او انجام دهد کافی است هر چند منظورش رسیدن به امور مباح و لذت‌های حلال باشد، البته این که شخصی در مراتب والای اخلاص بتواند به امور دنیوی بی توجه باشد امری است مطلوب که همگان به آن دسترسی ندارند (مجلسی، ۱۴۰۳:ق:۱۹۵/۶۷).

شاید بتوان گفت انگیزه‌های دیگر چنانچه با نیت قرب به خدا منافاتی نداشته و با آن قابل جمع باشند، مانع حد نصاب ارزش آن نیستند. و این امر درباره اموری که در روایات وارد شده جهتی دیگر نیز دارد و آن اینکه نیت آنها به جهت اعتماد به اولیای خدا و اطاعت آنها نیز هست که خود از جهات مقرب عمل است. البته چنانچه توجه به آنها در عرض توجه کامل به خدای متعال باشد به همان میزان از ارزش عمل می‌کاهد. اما روشن است که انجام عمل به ظاهر عبادی با نیتی که با تقرب قابل جمع نیست چنین حکمی ندارد، مثل اینکه به نیت ریا و اظهار شرک، نماز بخواند.

تفاوت قصور با تقصیر در تشخیص وظیفه

آن چه تا کنون بیان شد، حدنصاب نیت را در رفتارهایی مورد بررسی قرار داد که حداقل در ظاهر کارهای خوبی هستند اما مراتب مختلف نیت، ارزش اخلاقی آنها را متفاوت می‌کند، اما یک پرسش مهم در این جا شکل می‌گیرد که اگر نیت چنین تاثیری در ارزش اخلاقی دارد، آیا اگر فردی عملی را که در واقع گناه است با نیت الهی انجام دهد، ارزش اخلاقی مثبت دارد و موجب سعادت‌مندی او می‌شود؟ چرا که او حسن فاعلی را دارد، هر چند ممکن است حسن فعلی او دچار اشکال باشد. پاسخ این است که همان گونه که در ابتدای بحث حدنصاب نیت مطرح شد، نیت، ریشه در ایمان دارد و ایمان هم ریشه در معرفت، اگر معرفت انسان به شکلی نادرست یا ناقص شکل بگیرد و موجب شود او به چیزی که خودش گمان می‌کند کمال است ایمان آورد، انگیزه‌ها و نیات او هم متناسب با همان ایمان و معرفت نادرست شکل می‌گیرد که منجر به صدور عملی قبیح از سوی او خواهد شد هر چند خودش گمان کند با این عمل سعادت‌مند خواهد شد. مثلاً این که در اثر تبلیغات نادرست و عدم تحقیق کافی، فردی را که در واقع از بندگان مخلص خداوند است، دشمنی بیندارد که قتل او واجب است و با نیت خشنودی خداوند او را به قتل برساند. در این صورت نه تنها حسن

فعلی رعایت نشده، بلکه حسن فاعلی هم به درستی شکل نگرفته است. اما تفاوت این قبیل اعمال با عمل یک عالم دین که پس از تلاش‌های بسیار در یافتن ادله دینی، نهایتاً حکمی بر خلاف واقع صادر می‌کند و در مورد او گفته می‌شود عمل او نه تنها عقابی ندارد بلکه ثواب هم دارد، چیست؟ در تفاوت این دو مصداق می‌توان گفت، انسان موظف است وظیفه کسب معرفت را تا آن جایی که در توان اوست انجام دهد، در این صورت اگر واقعا در این امر کوتاهی نکرد و با نیتی الهی وظیفه خود را انجام داد، اشکالی متوجه او نیست، هر چند حتی اگر خود او یا دیگران، متوجه آن اشتباه نشوند و فقط خدای متعال از خطا بودن عمل او آگاه باشد. بر خلاف مورد قبل که فرد در انجام وظیفه خود در کسب معرفت کوتاهی کرده و نیات و اعمالی که از وی صادر شده است، بر پایه‌ای صحیح قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار، بعد از تعریف نیت، به انگیزه‌ای که تأثیر آن در فعل به شکل آگاهانه صورت می‌گیرد، ارزش اخلاقی مورد بررسی قرار گرفت و بیان شد که کمال حقیقی‌ای که انسان با رفتارهای خود به آن می‌رسد، ارزش ذاتی اخلاقی دارد و امور موثر در رسیدن به این کمال حقیقی، ارزش‌گیری اخلاقی خواهند داشت. از نگاه اسلام، مصداق حقیقی کمال مطلق، خداوند متعال است و انسان به واسطه قرب به او که رابطه‌ای حقیقی و از سنخ علم حضوری است کامل‌تر می‌شود. پس به طور خلاصه قرب به خداوند ارزش ذاتی اخلاقی و صفات و رفتارهای اختیاری به میزان تأثیر خود در تحقق این قرب، ارزش‌گیری اخلاقی دارند. در ادامه بیان شد، نیت به عنوان یک عنصر محوری در تعیین ارزش اخلاقی ایفای نقش می‌کند. اخلاص به عنوان معیاری که بتوان از طریق آن نیت را ارزیابی کرد معرفی شد، و چرایی آن به این صورت تبیین شد که چون بحث بر سر سنجش میزان قرب آفرینی یک عمل اخلاقی است، و از طرفی در ادبیات دین، اخلاص به معنای میزان حضور خداوند در انگیزه

و نیت آدمی معرفی شده است، این ارتباط به روشنی قابل استنتاج است که هر قدر یک عمل خالصانه تر باشد، قرب آفرین تر و مرتبه آن به لحاظ ارزش اخلاقی بالاتر خواهد بود. این موضوع در جهت عکس هم صادق است. اصطلاحی که به نیت غیرخدایی اشاره می‌کند شرک است. هر قدر عمل مشرکانه تر باشد، دوری بیشتری نسبت به خداوند حاصل می‌کند و ارزش منفی تری خواهد داشت. از آن جا که در مقام عمل، انگیزه‌های مختلفی برای انسان شکل می‌گیرد و نهایتاً یک فعل از او صادر می‌شود، باید بررسی می‌شد که چه عناصری وجود دارد که باعث می‌شود یک انگیزه در تراجم با انگیزه‌های دیگر به فعلیت برسد. از این رو، بیان شد که نیت، مثل سایر گرایش‌ها شبیه کمیت‌های برداری است یعنی علاوه بر جهت، دارای قدرت و اندازه هم هست. در مورد جهت‌های مختلف نیت، و مقایسه آن‌ها بحث شد که علاوه بر رابطه طولی و این که از مثبت بی نهایت تا منفی بی نهایت را در بر می‌گیرد، برخی از نیت‌ها هم رابطه عرضی با یکدیگر دارند. اما اندازه قدرت را میزان توجه به آن تعیین می‌کند و در مقام تراجم بین انگیزه‌های مختلف این توجه است که باعث می‌شود یک انگیزه در مقابل سایر انگیزه‌ها قد علم کند، ترجیح داده شود و به فعلیت برسد. توجه در دو معنا بیان شد. یکی به معنای آگاهانه بودن علم و دیگری به معنای اهمیت متعلق نیت برای فرد است. گفته شد که معنای دوم تأثیر بیشتری دارد، زیرا عامل مستقیم مؤثر در ترجیح و انتخاب یک عمل، میزان اهمیتی است که برای آن قائل می‌شویم و شدت آگاهی تنها یکی از زمینه‌هایی است که ممکن است موجب تقویت اهمیت دادن به موضوع و ترجیح آن شود. در نهایت، وقتی همه این برایندها بین انگیزه‌های مختلف محقق شود، یک نیت با جهت و قدرت مشخص ظهور می‌کند. این جاست که حدنصاب نیت سنجیده می‌شود و بررسی می‌شود که میزان اخلاص موجود در آن، به حد لازم برای محقق کردن سعادت حداقلی فرد رسیده است یا نه؟ در این مرحله بیان شد که چون نیت نشأت گرفته از معرفت

و ایمان شکل گرفته بر پایه آن معرفت است، حدنصاب ارزش اخلاقی در نیت با حد نصاب ارزش اخلاقی ایمان متناظر خواهد بود. و چون در اسلام حد نصاب ایمان، ایمان به خداوند متعال و فرستادگان الهی و روز جزاست، حدنصاب نیت هم در نیت برخاسته از چنین ایمانی ترسیم می‌شود. یعنی انسان خدا را بشناسد و به او ایمان آورد و بنای کلی داشته باشد که به لوازم ایمان خود ملتزم شود. در این صورت انگیزه ای آگاهانه در وجود وی شکل می‌گیرد که از طریق آن خواهان رسیدن به سعادت ابدی است که خدای متعال برای او ترسیم کرده است. در ادامه گفته شد، افرادی که ایمان به خدا ندارند اما کارهای انسان دوستانه ای انجام می‌دهند، هرچند حدنصاب ارزش اخلاقی را نداشته باشند اما از نگاه دین اسلام عمل آن‌ها موجب زمینه سازی برای کمال آن‌ها و کاستن مراتب عذاب آن‌ها می‌شود و چه بسا موجب ورود آن‌ها به وادی ایمان به خدا شود. البته این در صورتی است که در قبال حقیقت تعصب نداشته باشند و در انجام وظایف خود کوتاهی نکرده باشند. همچنین بیان شد که در دین اسلام، خود نیاتی که دارای حد نصاب هستند دارای مراتب متفاوتی هستند و خداوند متعال با توجه به سطوح مختلف افراد در جامعه ایمانی، نیت مردم را در مسیر قرب الهی هدایت می‌کند. نهایتاً بیان شد که با انگیزه الهی نمی‌توان مرتکب گناه شد و مذموم بودن چنین امری در صورتی است که فرد در وظیفه خود برای کسب معرفت از راه‌های مختلف آن کوتاهی کرده باشد. بر خلاف کسی که همه تلاش خود را برای کسب معرفت نسبت به حقیقت به کار گرفته ولی باز هم به خطا رفته است. می‌توان گفت که عمل چنین فردی حدنصاب ارزش اخلاقی را داراست.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، محقق/ مصحح: عبد السلام محمد هارون، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چ اول، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: جمال الدین میر دامادی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۴. خمینی، روح الله، آداب الصلاة (فارسی)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، ۱۳۸۷.
۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چ دوم، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، محقق/ مصحح: صفوان عدنان داودی، دار العلم - الدار الشامیة لبنان - سوریه، ۱۴۱۲هـ.ق.
۷. شیخ بهایی، محمد بن حسین، الأربعون حدیثا، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ سوم، قم، ۱۴۳۱ق.
۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ پنجم، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۹. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، امالی، دارالثقافه، چ اول، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. غزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين، تحقیق حافظ عراقی، ج ۱۴، دار الكتاب العربی، بی جا، بی تا.
۱۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق.
۱۲. فیومی، احمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، موسسه دار الهجرة، چ دوم، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ق.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، محقق: جمعی از محققان، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، *اخلاق در قرآن*، جلد ۱ و ۲، چ پنجم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، قم، ۱۳۹۱ الف.
۱۶. _____، *به سوی او (مشکات)*، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، قم، ۱۳۹۰.
۱۷. _____، *به سوی خود سازی*، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، قم، ۱۳۸۴ الف.
۱۸. _____، *جنگ و جهاد در قرآن*، محمد مهدی نادری، محمدحسین اسکندری، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ دوم، قم، ۱۳۸۳.
۱۹. _____، *دروس فلسفه اخلاق*، چاپ ششم، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳.
۲۰. _____، *رساترین داندخواهی و روشنگری*، عباس گرایبی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ اول، قم، ۱۳۹۱ ب.
۲۱. _____، *فلسفه اخلاق*، احمدحسین شریفی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ دوم، قم، ۱۳۸۲.
۲۲. _____، *کاوش ها و چالش ها*، محمد مهدی نادری، سید ابراهیم حسینی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ سوم، قم، ۱۳۹۴.
۲۳. _____، *کلمه حول فلسفه الاخلاق*، موسسه در راه حق، چ اول، قم، بی تا.
۲۴. _____، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، قم، ۱۳۸۴ ب.
۲۵. مصباح، مجتبی، *نقش نیت در ارزش اخلاقی*، *اخلاق و حیانی*، ۱۳۹۱، سال اول، شماره دوم، صص ۸۱-۱۰۴.
۲۶. _____، *فلسفه اخلاق (سلسله دروس مبانی اندیشه اسلامی ۴)*، چ اول، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، قم، ۱۳۹۶.
۲۷. مطهری، مرتضی، *فلسفه اخلاق*، صدر، چ ۴۳، تهران، ۱۳۹۲.
۲۸. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، چ بیست و ششم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸.
۲۹. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، *الفوائد و الفوائد*، محقق / مصحح: سید عبد الهادی حکیم کتابفروشی مفید چ اول، قم، بی تا.